



بررسی و نقد جریانهای انحرافی جدید دینی - عرفانی / طبقه بندی این جریانه‌ها

گسترش جریانهای انحرافی دینی در سالهای اخیر در کشور، از دامنه نفوذ و اقتدار مذهب رسمی کشور کاسته و باعث شیوع نوعی تفکر صوفی گرایانه و خرافی مسلکانه در زندگی خانواده های ایرانی شده است،

خبرگزاری مهر - گسترش جریانهای انحرافی دینی در سالهای اخیر در کشور، از دامنه نفوذ و اقتدار مذهب رسمی کشور کاسته و باعث شیوع نوعی تفکر صوفی گرایانه و خرافی مسلکانه در زندگی خانواده های ایرانی شده است،

دکتر پریش کوششی، دکترای فلسفه و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، محقق و مترجم آثار دینی و فلسفی مقاله ای در مورد جریانهای انحرافی جدید دینی - عرفانی نگاشته و آنرا در اختیار خبرگزاری مهر قرار داده که از نظر شما می گذرد.

مقدمه

گسترش جریانهای انحرافی دینی در سالهای اخیر در کشور، از دامنه نفوذ و اقتدار مذهب رسمی کشور کاسته و باعث شیوع نوعی تفکر صوفی گرایانه و خرافی مسلکانه در زندگی خانواده های ایرانی شده است، اگرچه فرقه های عرفانی و صوفیانه در تاریخ اسلام و کشور ایران سابقه تاریخی داشته و منشأ آن به قرنهای آغازین ظهور اسلام باز می گردد، اما امواج جدید این جریانه ریشه در جریانات غربی به خصوص الهیات لیبرال - پروتستان دارد که می کوشد با تلفیق و گرته برداری از ادیان مختلف، مجموعه ای التقاطی به وجود آورده و در جوامع مختلف به تبلیغ بپردازد که در درجه اول از اعتبار دین رسمی - به خصوص دین مبتنی بر فقه - بکاهد و سپس با ترویج عقاید صوفی گرایانه در جامعه، زمینه های رشد و گسترش خرافه گری را فراهم آورد.

از طرف دیگر؛ گسترش فرقه های انحرافی یکی از ابزارهای مهم تهاجم فرهنگی و جنگ نرم است. با استفاده از این اهرم در جریان تهاجم فرهنگی بدون آنکه چهره واقعی و نیت سوء مهاجم معلوم باشد، ارزش ها و هنجارهای بنیادی جامعه مورد هجوم قرار گرفته و زمینه های پذیرش افکار انحرافی فراهم می شود. از همین روی در اغلب کشورهای اروپایی و آمریکا، برای توصیف این پدیده از اصطلاح غیر ارزشی و بی طرفانه‌ی «جانبشهای جدید دینی»^[1] استفاده می‌کنند.

علاوه بر عنوان بی طرفانه جنبش جدید که تسهیل کننده پذیرش آن از سوی مخاطبان است، این استدلال مطرح می‌شود که از آنجا که این جنبشها به اهداف غایی ادیان الهی، همچون رسیدن به آرامش و رستگاری، می‌پردازند و وعده رسیدن به آنها را به افراد می‌دهند، می‌توان آنها را به «دینی بودن»^[2] متصف نمود.

با وجود اینکه جریانهای جدید دینی و عرفانی جدید، تنها کمتر از دو درصد جمعیت را در اکثر کشورهای جهان- البته به استثنای برخی کشورهای آفریقایی و ژاپن- نمایندگی می‌کنند؛ برخی از اندیشمندان این حوزه پیش بینی کرده اند که هرچند این جریانه از نظر آماری قادر نخواهند بود با ادیان بزرگ هم‌اموردی کنند، اما انتظار می‌رود در دهه‌های آینده- چه به شکل سازمان یافته و چه سازمان نیافته- در تمام کشورها قوی ظاهر شوند^[2]. این امر نشان دهنده اهمیت روز افزون و ضرورت توجه جدی به این جریانه در آینده است.

در جامعه ایران، پیدایش و رشد این جریان ها را می توان به دو دوره تقسیم کرد:

1. دوره نهفتگی [3] یا تکوینی^[4]

2. دوره شکوفایی.

دهه هفتاد دوره نهفتگی و دهه هشتاد دوران سر برآوردن اغلب این جریانه‌ها و هجوم آثار ترجمه شده آنها در ایران است. البته، نحوه حضور این جریانه‌ها در ایران به ترجمه آثار آنها خلاصه نمی شود، بلکه انجمن ها و گروههای مختلفی تحت تاثیر افکار این جریان ها شکل گرفته و بصورت آشکار و پنهان به ترویج این گروهها و افکار و آثارشان پرداخته اند و توانسته اند جمعی از نسل جوان را به خود جذب کنند.

طبقه بندی جریانهای انحرافی جدید دینی و عرفانی در ایران[5]:

جریانهای انحرافی دینی و عرفانی انواع مختلفی دارند و می توان آنها را در گروه بندی های متفاوتی تقسیم بندی کرد. با توجه به نوع نگرش آنها به دنیا، مهمترین جریان های انحرافی را می توان در قالب مقولات زیر طبقه بندی کرد:

الف) جریانهای انحرافی دنیاگرا

ویژگی بارز این جریانها تفاوت آنها با ادیان سنتی است این جریانها فاقد بسیاری از خصوصیات دین سنتی هستند. محل عبادتی چون کلیسا و... ندارند و فاقد شعائر و آداب و مناسک عبادی هستند. از نظر آنها انسانها نیروهای بالقوه متعددی در خود دارند و تا کنون، تنها عده کمی آموخته اند که از آن نیروها به طور موثر بهره برداری کنند[6].

آنها مدعی اند که راههایی برای توانمند کردن مردم در شکوفایی استعداد معنوی، روانی و ذهنی خویش بدون دوری گزیدن از دنیا در اختیار دارند. این راهها در اختیار همه قرار دارند، البته به شرط آنکه تکنیکها یا اصولی را که در این جنبش ها تعلیم داده می شود بیاموزند.[7]

در مجموع، این جریانها، بنابر ادعایشان، امکان دسترسی به قدرتها و توانایی های فرا طبیعی، جادویی و معنوی ایجاد می کنند. برخی از مهمترین جریانهای انحرافی فعال در ایران که در ایننوع جای می گیرند، عبارتند از[8]:

1.مراقبه متعالی یا مدیتیشن(TM)

2.فالون دافا

3.شیطان پرستی

4.اندیشه های پائولو کوئیلو

5.گروه ریکی(الهام گرفته از ژاپن)

6.کیش حلقه کیهانی

7.گروههای یوگا و ذن(الهام گرفته از هند، چین و ژاپن)

8.گروه خوزه سیلوا

9.هاله بینی

10.فنگ شویی

11.نور درمانی

12.رویا بینی

13.انرژی درمانی

14.هیپنوتیزم و خود هیپنوتیزم

15.تله پاتی

16.کارما

ب) جریانهای انحرافی سازگار با دنیا

این جریانها میان زندگی معنوی و زندگی دنیوی تمایز گذاشته و فقط به زندگی درونی، شخصی و فردی می پردازند. آنها مدعی اند زندگی دنیوی افراد در اختیار و به دلخواه خود آنهاست. به تعبیر دیگر این جریانها به زندگی و حیات دنیوی افراد، نه نفیا و نه اثباتا نمی پردازند و تلاش خود را بر درون افراد متمرکز می سازند[9].

برخی از مهمترین جریانهای انحرافی فعال در ایران که در این نوع جای می گیرند عبارتند از:

- گروه ایلیا رام الله

- کیش راجنیش اشو

- کیش ساتیا سای بابا

- گروه وین دایر و آثارشان

- جمعیت ره جویان کمال

- موسسه ذهن برتر

- موسسه راه موفقیت

(ج) جریانهای انحرافی دنیاگریز

این گروهها تلاش می کنند مفهوم روشنی از خدا ارائه دهند و به دسته ای از دستورات اخلاقی معتقدند[10] نکته جالب توجه اینکه این دسته ازجریانها، بر خلاف دو نوع قبلی، غایتی قدسی و غیر اومانیستی دارند، اما سکولار بودن وجه تشابه این نوع با انواع قبلی ست. برخی از مهمترین جریانهای انحرافی فعال در ایران که در این نوع جای می گیرند عبارتند از:

- کیش اکنکار

- پیروان پاراماهانسا یوگاناندا(SFR)

- پیروان کارلوس کاستاندا

- اندیشه های معرفی شده در آثار سوامی موکتاناندا

- اندیشه های معرفی شده در آثار وسوانی دونالد والش

ادامه دارد...

پی نوشت:

[1]- New Religious Movements

[2]- آینده دین و فرقه های نوظهور دینی، ماسیمو اینتروگن، ترجمه رستم نوچه فلاح، کنفرانس آینده دین، سوئد
2001www.cesnur.org/2001/mi-june03-hm

[3].Dormant

[4].Formative

[5]- برای انجام این طبقه بندی از پژوهش بهزاد حمیدیه (جنبشهای نوپدید دینی: با عطف نظر به ایران) با اندکی تغییر، پیروی شده است. حمیدیه با مطالعه و مشاهده دقیق این جنبشها در ایران و بر اساس خصایص مشترک، آنها را در دسته بندی «رویی والیس" جای داده است.

[6]. روی والیس، به نقل از حمیدیه، 1387 ص44

[7]. همان، 51

[8]- لازم به ذکر است که انواعی که ذیل هر نوع آورده می شود، مصادیقی ایده آل نیستند که بطور کامل و تیپیکال واجد خصوصیات نوع خود و فاقد هر گونه خصوصیات دیگر باشند. معیار برای گنجاندن مصادیق، غالب بودن خصوصیات یک تیپ است. همچنین باید گفت که تمام موارد نام برده ذیل هر دسته، لزوما نهادهینه نشده اند و یا حتی هنوز دارای ساز و کار معین و ساختار مشخصی نیستند و

در مرحله نهفتگی یا آموزش بسر می برند. موسسات و گروهها و یا حتی کتابهایی که یک نوع تفکر خاص را ترویج می کنند نیز در ذیل دسته بندی های مربوط قرار گرفته اند

[9]. همان، ص 55

[10]. همان، ص 63

[11]- جامعه شناسی دین، ملکوم همیلتون، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات تبیان، 1379

[12]- برای مطالعه بیشتر ن.ک آفتاب و سایه ها، نگاهی به جریبنهای نوظهور معنویت گرا، محمد تقی فعالی، قم: انتشارات نجم الهدی 1386

[13]- Vishnu یکی از شش مکتب بزرگ هندوها

[14]- مناطقی از استپ در شمال آسیا در اوج داستان زهیر به میاتن آمده و او همسر گمشده اش را در آنجا پیدا می کند.

[15]- کوههای پیرنه در فرانسه و مناطق دیگری در اروپا در رمان های خاطرات یک مغ، کنار رود پیدار نشستم و گریستم، و کوه پنجم آمده است.

[16]- رمان والکری ها، ماجرای سفر در بیابانهای آمریکا و یافتن گروهی از ساحران بنام والکری ها ست.

[17]- داستان کیمیاگر، حکایت سفر جوانی اروپایی (اسپانیایی) به اهرام مصر برای یافتن گنج است.

[18]- جریان شناسی انتقادی عرفانهای نوظهور، حمید رضا مظاهری سیف، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1387

[19] Conversion

[20] جنبشهای جدید دینی، بهزاد حمیدیه، ص 30

*نویسنده: دکتر پریش کوششی، دکترای فلسفه و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، محقق و مترجم آثار دینی و فلسفی